یادداشت روز

نسخه‌های مشکوک
از بنزین سهمیه‌ای تا نان کیلویی

۱- در مباحث مربوط به روانشناسی اجتماعی، وقتی راجع به «هویت» یک فرد یا حتی جمع و چگونگی شکل‌گیری آن صحبت می‌شود، تأثیر زبان، نمادها، یادگیری این نمادها، معناسازی‌ها و «محیط پیرامونی» به‌شدت برجسته می‌شود. مثلاً «جورج هربرت مید»، روانشناس اجتماعی و فیلسوف آمریکایی، در تبیین نظریه «کنش متقابل نمادین»، برای بررسی رفتار و هویت یک فرد و چگونگی شکل‌گیری این هویت، تأکید ویژه‌ای روی «محیط پیرامونی» دارد و تأکید می‌کند برای فهم درست کُنش یک فرد، صرفاً نباید به درون‌نگری و آنچه درون ذهن او می‌گذرد (introspection) بسنده کرد؛ چرا که ذهن و آنچه درون ذهن یک فرد می‌گذرد، متأثر از محیط اجتماعی و پیرامونی اوست. اگر بخواهیم این چند خط بالا را که برگرفته از کتاب «نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر» نوشته «جورج ریتزر» است در یک خط خلاصه کنیم، این می‌شود که «رفتار آدم‌ها نه صرفاً محصول درون ذهن، بلکه محصول فرایند کنش متقابل نمادین با دیگران و محیط است...». از این مفاهیم یک نتیجه مهم استنباط می‌شود: «افرادی که ما با آنها نشست‌وبرخاست می‌کنیم، اهمیت زیادی دارند؛ چرا که روی هویت و رفتار ما تأثیر مستقیمی می‌گذارند. وقتی امام علی(ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند «الْمَرْءُ عَلَی دِینِ خَلِیلِه، فَلْیَنْظُرْ أَحَدُکُمْ مَنْ یُخَالِلُ» یعنی انسان بر دین (روش) دوست نزدیک خود است، پس هر یک از شما باید بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند (الأمالی للطوسی، ص۵۱۸) در واقع همین مبحث مهم را بیان می‌کنند. یا امام علی(ع) آنجا که می‌فرمایند «...فَمَنِ اشْتَبَهَ عَلَیْکُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِینَهُ فَانْظُرُوا إِلَی خُلَطَائِه...» یعنی هرگاه موقعیت کسی بر شما مبهم گشت و دین او را نشناختید، به کسانی بنگرید که با آنها معاشرت دارد (شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص۶) بر اهمیت افراد محیط پیرامونی و تأثیر آنها بر هویت شخص تأکید می‌کنند.

۲- رهبر شهید انقلاب پنجم تیرماه مصادف با عید غدیر خطاب به نامزدهای انتخابات فرمودند: «من به نامزدهای محترم انتخابات عرض می‌کنم با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست بیاورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد به درد شما نمی‌خورد و همکار خوبی برای شما نخواهد بود... آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. او از ظرفیت‌های کشور استفاده نخواهد کرد و خوب مدیریت نخواهد کرد... آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد او با شما همکار خوبی نخواهد بود.. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد. اگر شما نامزدهای محترم یک چنین عهدی با خدای خودتان ببندید، بدانید که کارهایی که برای انتخابات می‌کنید همه‌اش حسنه خواهد بود.» اینجا نیز رهبر شهید روی همین موضوع و افراد محیط پیرامونی تأکید می‌ورزند.

۳- ما هم مثل بسیاری از مردم، آقای دکتر مسعود پزشکیان را فردی متدین می‌شناسیم که با نهج‌البلاغه انس دارد. سن و سال ایشان نیز آن‌قدر کم نیست که بگوییم، تحت تأثیر کامل اطرافیان و محیط پیرامونی‌اش قرار دارد؛ چرا که شخصیت و هویت یک فرد در ۷۲ سالگی، تقریباً شکل گرفته و اعتقادات دینی و محبت امیرالمؤمنین نیز در این سن در وجود ایشان تثبیت شده است. منتهی ایشان بارها و بارها و خیلی صریح گفته است که، در برخی حوزه‌ها مثل اقتصاد، کارشناس نیست، فلذا از کارشناسان استفاده می‌کند. نکته مهم همین‌جاست: از کدام کارشناس‌ها؟! آیا «زاویه‌دارها»ی کارشناس‌نما در اطراف ایشان حضور ندارند؟ واقعیت این است که در اطراف ایشان - متأسفانه - کسانی دیده می‌شوند که ایران را «یک‌لاقبا»! می‌دانند. افرادی هستند که معتقدند «دوران انقلاب و انقلابی‌گری گذشته است». افرادی که معتقدند «بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت.» متأسفانه در اطراف ایشان کسانی هستند که در کارنامه‌شان، مصاحبه با صهیونیست و طرفداران همجنس‌بازی نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این روزها نیز «لیبرتارین»ها در اطراف ایشان زیاد شده‌اند؛ کسانی که امام راحل آنها را «بدتر از منافقین» دانسته است. آنها معتقدند مداخله دولت در امور اقتصادی یعنی «اقتصاد دستوری» و این با «توسعه» همخوانی ندارد. برخی از تئوریسین‌هایشان حتی در «نسخه‌های توسعه»ای که می‌پیچند، آسیب رسیدن به مردم و نظام را هم «طبیعی» جلوه می‌دهند! اما آنچه ماجرا را کمی مشکوک می‌کند این است که در این مسیر، از غربی‌ها مو به مو تقلید نمی‌کنند! غربی‌ها معمولاً قبل از تصمیمات مهم با کمک رسانه شروع به «اقناع‌سازی» و «توجیه مردم» می‌کنند که مبحث مهمی در جامعه‌شناسی سیاسی است. دولتمردان غربی گاهی به اقتصاد نیز مستقیماً ورود می‌کنند و از قضا، «اقتصاد دستوری» هم دارند. (به عنوان فقط یک مثال رجوع شود به اقدامات اقتصادی برخی دولت‌های غربی در دوران همه‌گیری کرونا و...) اینجا اما زاویه‌دارهای غربگرا خیلی سریع و بدون اینکه نیازی ببینند مردم را قانع کنند، تصمیم می‌گیرند مثلاً قیمت بنزین را برای چندمین بار در چند ماه گران کنند! با اینکه نتیجه فاجعه‌بار چنین رویکردی را در آبان‌ماه سال ۹۸ مشاهده کرده‌اند، دوباره همان مسیر را می‌روند! وقتی اعتراض می‌شود می‌گویند «با اقتصاد دستوری توسعه پیدا نخواهیم کرد.. باید مثل غرب قیمت‌ها را آزاد کرد و ...»

۴- دیروز - با این که کارشناسان و مردم زیادی اعتراض داشتند- اعلام شد در برخی استان‌ها کارت‌های سوخت جایگاه‌داران جمع شده است و مردم با ذخیره کردن همان ۶۰ لیتر سهمیه ۱۵۰۰ تومانی و ۵۰ لیتر سهمیه ۳۰۰۰ تومانی کار خود را پیش ببرند! و فراموش کردند که، این ۵۰ لیتر اصلاً ذخیره نمی‌شود! گفتند اگر با این سهمیه‌ها، باز هم نیاز داشتید می‌توانید از بنزین سوپر با قیمت بالای ۱۰۰ هزار تومان استفاده کنید! در پاسخ به نقدهای کارشناسان اعلام کردند، این طرح قرار است به‌صورت سراسری اجرا بشود! مردم از شوک این تصمیم عجیب بیرون نیامده بودند که مبحث «نان سهمیه‌ای و کیلویی» هم از راه رسید! نایب رئیس اول اتاق اصناف تهران با گفتن این که «اجرای طرح فروش کیلویی نان هنوز نهایی نشده است...اجرای طرح متوقف نشده اما نهایی‌شدن آن نیازمند بررسی‌های کارشناسی و فراهم‌کردن مقدمات است»، وجود چنین طرحی را کاملاً تأیید نکرد و کاملاً هم رد نکرد! آقای رئیس‌جمهور! این‌ها همان کارشناس‌هایی هستند که فرموده بودید امور را به دستشان سپرده‌اید؟! کدام کارشناسی وسط جنگ همه‌جانبه دشمن برای «بهترین مردمان روی زمین» چنین نسخه‌هایی را می‌پیچد؟ مگر دلیل شکست هجمه قدرت‌ها در دو جنگ اخیر، پس از الطاف خدای مهربان، پای کار بودن همین مردم نجیب نبود؟ مگر دشمن به دنبال «راه‌اندازی آشوب» برای ازسرگیری جنگ نیست؟ طرح محاصره همه‌جانبه ایران از آسمان و دریا و زمین - سوای از موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن آن - مگر با هدف اعلامی «تحت فشار قرار دادن مردم» نیست؟ این طرح‌های مشکوک اقتصادی که پشت سر هم و به‌صورت ناشیانه اجرا می‌شوند، جز افزایش فشار بر این مردم شریف، چه نتیجه‌ای دارد؟! آیا همزمان شدن فشارهای اقتصادی دشمن و این کارشناس‌نماها بر مردم، واقعاً اتفاقی است؟! هنوز دیر نیست. به توصیه رهبر شهید عمل کنید و «زاویه‌دارها» را از اطراف خود برانید!

جعفر بلوری

استفن والت، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد:

جنگ با ایران
پایانی بر عصر یکه‌تازی آمریکا در خلیج‌فارس است

استاد روابط بین‌الملل معتقد است جنگ با ایران ضمن آشکار کردن محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا، اعتماد کشورهای خلیج‌فارس به واشنگتن را تضعیف کرده و می‌تواند به پایان عصر یکه‌تازی قدرت‌های خارجی در منطقه و افزایش نقش بازیگران محلی منجر شود.

استفن والت، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد در گفت‌وگویی به مسائل جاری در منطقه غرب آسیا به ویژه شرایط جنگی آن پرداخت. والت معتقد است ترامپ به این نتیجه رسیده که ازسرگیری جنگ دستاورد نظامی مشخصی ندارد، زیرا نه حملات بیشتر به سرنگونی حکومت ایران منجر می‌شود و نه آمریکا می‌تواند از پاسخ تلافی‌جویانه ایران جلوگیری کند. او گفته ایران طی چند دهه راه‌های متعددی برای دور زدن تحریم‌ها پیدا کرده است.

این استاد دانشگاه معتقد است فرسودگی ناوها، نیروهای نظامی و محدودیت ذخایر موشک‌های رهگیر اجازه نمی‌دهد آمریکا محاصره دریایی را با شدت فعلی برای دو سال ادامه دهد.به اعتقاد والت، موقعیت جغرافیایی و توانمندی‌های نظامی ایران امکان کنترل یا تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز را فراهم کرده است. او می‌گوید حملات اخیر در کوتاه‌مدت برنامه هسته‌ای ایران را تضعیف کرده، اما در بلندمدت استدلال طرفداران ساخت سلاح هسته‌ای را تقویت کرده، چراکه بخشی از حاکمیت ایران ممکن است این سلاح را تنها تضمین بقای کشور بداند.

به گفته این نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل، تردید درباره توانایی آمریکا برای تأمین امنیت متحدانش در خلیج‌فارس افزایش یافته است. او پیش‌بینی کرد کشورهای منطقه برای کاهش تنش‌ها و حل اختلافات با ایران تلاش کنند و خاورمیانه بیش از گذشته تحت تأثیر بازیگران محلی قرار گیرد.

وی تأکید کرد که تغییر حکومت از طریق حملات هوائی امکان‌پذیر نیست و آمریکا نه گزینه جذابی برای حمله زمینی به ایران دارد و نه می‌تواند با بمباران بیشتر به اهداف سیاسی جنگ دست یابد. به اعتقاد او، شناخت محدودیت‌های قدرت نظامی باید به درس مهمی برای دولت‌های آینده آمریکا تبدیل شود.

ترامپ فعلا از جنگ عقب‌نشینی کرده اما او غیرقابل‌پیش‌بینی است

والت در پاسخ به این پرسش که «در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای مطرح بود مبنی بر اینکه دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو حملات نظامی علیه ایران را از سر خواهند گرفت اما بیش از یک هفته پس از انتخابات، به نظر می‌رسد احتمال حمله مجدد کاهش یافته است. شما این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا ترامپ عقب‌نشینی کرده است؟»، گفت: «البته اگر فرض کنیم که او واقعاً عقب‌نشینی کرده است. اما با شخصی سروکار داریم که ممکن است خیلی سریع نظرش را تغییر دهد. با این حال، فکر می‌کنم اساساً به این نتیجه رسیده که ازسرگیری جنگ ایده خوبی نیست.»

او درخصوص دلایل این تصمیم ترامپ نیز گفت: «یکی از دلایل این تصمیم، توصیه‌هایی است که از سوی نظامیان دریافت می‌کند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ گزینه نظامی مناسبی در این پرونده وجود ندارد. هیچ راهی نیست که بتوان با یک دور دیگر حملات، سرانجام حکومت ایران را سرنگون کرد، آن هم پس از مجموعه‌ای طولانی از حملات بسیار سنگین که نتوانست چنین هدفی را محقق کند. بنابراین، تشدید مجدد تنش‌ها دستاورد چندانی نخواهد داشت.»

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد درخصوص دومین دلیل عقب‌نشینی ترامپ گفت: «ایران توانایی پاسخگویی و تلافی‌جویی دارد و می‌تواند در واکنش به تشدید نظامی از سوی آمریکا اقداماتی انجام دهد که برای آمریکا و دیگر کشورهای منطقه بسیار دردناک خواهد بود.»

والت نتیجه گرفت که «با در نظر گرفتن این دو عامل، ترامپ انگیزه چندانی برای ازسرگیری جنگ ندارد. فکر می‌کنم او اکنون تلاش خواهد کرد این موضوع را از صدر اخبار دور نگه دارد و امیدوار باشد که فشار اقتصادی نتیجه‌بخش باشد.»

فروپاشی ایران با فشار اقتصادی رؤیاپردازانه است

وی در پاسخ به سؤالی درباره ادعاهای مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه «فشار و محاصره اقتصادی به اندازه‌ای مؤثر بوده که دیگر نیازی به عملیات نظامی وجود ندارد و منتظر مانند تا اقتصاد ایران درهم بشکند»، گفت: «فکر می‌کنم این بیشتر یک رویاپردازانه است. البته هیچ‌گاه نمی‌توان با قطعیت درباره چنین مسائلی صحبت کرد، اما آمریکا چندین دهه است که فشار اقتصادی شدیدی بر ایران اعمال می‌کند و حکومت ایران راه‌های متعددی برای دور زدن بخشی از این فشارها پیدا کرده است.»

او در پاسخ به این پرسش که «آیا ممکن است آمریکا محاصره دریایی را در همین سطح طی دو سال آینده حفظ کند؟»، گفت: «فکر نمی‌کنم آمریکا بتواند این محاصره را با همین سطح و شدت ادامه دهد. میزان فرسودگی ناوها و نیروهای نظامی آمریکا در نهایت به نقطه‌ای خواهد رسید که مجبور شویم حضور نظامی خود را کاهش دهیم.»

والت درباره استقرار نظامی آمریکا در منطقه نیز گفت: «فکر می‌کنم در حال حاضر سه ناو هواپیمابر در خلیج‌فارس حضور دارند، اما این وضعیت پایدار نخواهد بود. یکی از آن‌ها قرار است به‌زودی منطقه را ترک کند و ارتش آمریکا در نقاط دیگری از جهان نیز به نیروهای نظامی نیاز دارد.بعید می‌دانم سطح حضور نظامی آمریکا در منطقه تا دو سال دیگر و پایان دولت ترامپ به همین شکل باقی بماند.»

ایران توانایی کنترل بر تنگه هرمز را دارد

این استاد دانشگاه همچنین درباره اینکه «آیا خروج نیروهای آمریکایی یا کنار گذاشتن محاصره دریایی بنادر ایران به معنای واگذاری تنگه هرمز به ایران خواهد بود؟»، گفت: «ایران توانایی مؤثری برای مسدود کردن کشتیرانی در تنگه هرمز از خود نشان داده است. اکنون ما درگیر تلاش گسترده و پیچیده‌ای هستیم تا جریان انتقال نفت و گاز از این منطقه را تا حدی حفظ کنیم. اما اگر آمریکا برای انجام این کار در منطقه حضور نداشته باشد، ایران عملاً این توانایی را خواهد داشت که در صورت تمایل، کنترل تنگه را در اختیار بگیرد.»

والت به توانمندی‌های ایران هم اشاره کرد و گفت: «توانایی ایران برای کنترل تنگه یا دست‌کم تهدید کشتیرانی در آن، ناشی از موقعیت جغرافیایی و فناوری نظامی این کشور است. در این زمینه کار چندانی نمی‌توان انجام داد، مگر اینکه در نهایت توافقی حاصل شود که انگیزه همه طرف‌ها برای مسدود کردن مسیر کشتیرانی را کاهش دهد.»

دست حامیان دستیابی به سلاح هسته‌ای در ایران را تقویت کرده‌ایم

این استاد روابط بین‌الملل در پاسخ به این پرسش که «یکی از پیامدهای این جنگ آن است که ایران ممکن است به این نتیجه برسد که توانمندی‌های نظامی متعارف آن برای جلوگیری از حمله مجدد کافی نیست. آیا ممکن است رهبران ایران دستیابی به سلاح هسته‌ای را تنها تضمین قابل اتکا برای بقای حکومت بدانند؟»، گفت: «در این زمینه هیچ تردیدی وجود ندارد و در واقع، شواهد زیادی در حال ظهور است که نشان می‌دهد دقیقاً چنین اتفاقی در حال رخ دادن است.»

این استاد دانشگاه تصریح کرد: «در کوتاه‌مدت با آسیب زدن به برنامه هسته‌ای و نابودی بخشی از مواد هسته‌ای، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را دشوارتر کرده‌ایم اما در بلندمدت، دست کسانی را در ایران که خواهان دستیابی به توانمندی هسته‌ای هستند، تقویت کرده‌ایم، به‌ویژه با توجه به اینکه ایران در همسایگی خود قدرت‌های هسته‌ای دارد.»

کشورهای عربی به سمت حل اختلافات با ایران حرکت خواهند کرد

او در ادامه و با بیان اینکه «این جنگ به مدل اساسی اقتصادی متحدان عرب آمریکا در خلیج‌فارس آسیب زده است»، گفت: «اکنون تردیدهای بسیار زیادی درباره قضاوت و تصمیم‌گیری آمریکا و همچنین توانایی این کشور برای تأمین امنیتی که متحدان منطقه‌ای‌اش به آن عادت کرده بودند، به وجود آمده است.» والت با اشاره به سفر اخیر «خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان به ایران افزود: «در این‌جا با یک الگوی تاریخی نیز روبه‌رو هستیم. در گذشته نیز دوره‌هایی وجود داشته که درباره حضور و تعهد آمریکا در منطقه تردیدهایی ایجاد شده است. هر بار که چنین اتفاقی رخ داده، کشورهای منطقه تلاش کرده‌اند با کاهش تنش‌ها و حل اختلافات میان کشورهای عربی و ایران، اوضاع را آرام کنند.»

به گزارش فارس، این استاد دانشگاه پیش‌بینی‌کرد که «ممکن است برای نخستین بار در بیش از یک قرن گذشته، سیاست خاورمیانه تقریباً به‌طور کامل تحت تأثیر بازیگران محلی قرار گیرد، نه قدرت‌های خارجی.»او این وضعیت را یک «دنیای جدید» توصیف کرد و گفت: «این تحول همچنین علاقه برخی کشورهای منطقه به بررسی گزینه هسته‌ای را تقویت خواهد کرد. بنابراین، ممکن است در آستانه ورود به خاورمیانه‌ای کاملاً متفاوت باشیم.»

گفت و شنود

ارزش نداره!

گفت: عبدالله احمد الدلیمی، عضو ائتلاف الانبار عراق از ملاقات پنهان «تام باراک» نماینده ویژه ترامپ با علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق خبر داد!

گفتم: آمریکا قاتل صدها هزار تن از مردم عراق است. با علی الزیدی که سوگند خورده بود حامی مردم عراق باشد چه کار پنهانی داشته است؟!

گفت: از نخست‌وزیر عراق خواسته است که مرزهای زمینی و دریایی این کشور با ایران را مسدود کند! و علی الزیدی با انجام دستور واشنگتن به جای اولویت دادن به استقلال و منافع مردم عراق، هزینه سیاست‌های تحریمی آمریکا را به ملت خود تحمیل کرده است.

گفتم: جواب مردم مسلمان و انقلابی عراق را چه می‌دهد؟! آن هم مردمی که به ایران عشق می‌ورزند و بارها شیفتگی خود را در عشق به رهبری ایران، قدردانی از شهید سلیمانی و دشمنی با رژیم صهیونیستی و... نشان داده‌اند.

گفت: چه عرض کنم؟! چقدر هم پُز مردم‌دوستی و علاقه به عراق را می‌داد! حالا تازه معلوم شده منظورش چی بوده!

گفتم: یارو می‌گفت؛ این دنیا ارزش نداره که خودتونو اذیت کنید! پرسیدند پس چه کنیم؟ گفت؛ خُب معلومه، باید دیگران رو اذیت کنید!

دروازه آهنین
قمار ژئوپلیتیک آمریکا با جغرافیای ایران

«دروازه آهنین» قمار ژئوپلیتیک آمریکا با جغرافیای ایران است. واشنگتن می‌خواهد با محاصره اقتصادی، همسایگان ایران را به ابزار فشار تبدیل کند؛ غافل از اینکه همسایگان منافع مستقلی دارند.

تشکیل کارگروه «دروازه آهنین» در فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام)، نشانه‌ای از ورود راهبرد فشار علیه ایران به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن واشنگتن به‌جای بازگشت به جنگ مستقیم یا حرکت به سمت توافق سیاسی، تلاش می‌کند با محدودسازی مسیرهای تجاری، مالی و تأمین کالا، هزینه‌های اقتصادی و اداره کشور را افزایش دهد.

این رویکرد با اظهارات مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در نشست وزیران خارجه گروه هفت در پاریس نیز همخوانی دارد. او به روایت اکسیوس، راهبرد دونالد ترامپ را ادامه فشارهای موجود، به‌جای جنگ مجدد یا توافق با ایران، توصیف کرده است.

روبیو در مورد راهکار آمریکا در مورد ایران به خبرنگاران گفته بود: «بالاخره باید غذا بخورند، بالاخره باید بتوانند به نیروهای رزمی و نیروهای امنیتی خودشان حقوق بدهند.» این اظهارات نشان می‌دهد که هدف نهایی آمریکا از استمرار محاصره، تلاش برای فروپاشی اقتصاد ایران است.

در همین چارچوب، کارگروه دروازه آهنین با حدود ۲۰ نیروی نظامی و غیرنظامی در مقر سنتکام در تامپای فلوریدا تشکیل شده تا هماهنگی دستگاه‌های آمریکایی برای محدودسازی مسیرهای تأمین ایران از مرزهای زمینی و دریای خزر را تقویت کند.

اظهارات ۲۱ آبان دونالد ترامپ مبنی بر اینکه آمریکا به توافق با ایران نیاز ندارد و «پولشان دست ماست»، نشان‌دهنده تمایل کاخ‌سفید به حفظ وضعیت فشار اقتصادی است. در واقع، واشنگتن می‌کوشد بدون پذیرش هزینه‌های جنگ جدید، از طریق محدودسازی تجارت و درآمدهای ایران، شرایط اقتصادی کشور را دشوارتر کند و از این طریق بر محاسبات سیاسی تهران تأثیر بگذارد.

با این حال، یک تفاوت اساسی میان افزایش فشار اقتصادی و دستیابی به اهداف سیاسی وجود دارد. تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری می‌توانند هزینه‌های قابل‌توجهی ایجاد کنند، اما الزاماً به تغییر رفتار سیاسی طرف مقابل منجر نمی‌شوند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که فشار اقتصادی به‌تنهایی تضمین‌کننده تحقق اهداف راهبردی واشنگتن نیست.

همسایگان؛ حلقه‌ای که آمریکا بر آن تسلط کامل ندارد

یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبرد جدید، وابستگی آن به همکاری کشورهای همسایه ایران است. فؤاد حسین، وزیر خارجه عراق، ۱۶ آبان اعلام کرد که آمریکا رسماً خواستار بستن همه گذرگاه‌های مرزی عراق با ایران، به‌استثنای دو گذرگاه، شده است.

همچنین اکسیوس به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داده که ترکیه، عراق و پاکستان درباره پیامدهای قطع تجارت، توقف پروازها و بستن مرزهای ایران نگران هستند. این نگرانی قابل درک است؛ زیرا محدودسازی مبادلات ایران فقط به تهران آسیب نمی‌زند، بلکه می‌تواند تجارت، ترانزیت، امنیت و ثبات اقتصادی کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. عراق، ترکیه و پاکستان هرکدام منافع مستقلی در ارتباط با ایران دارند و بعید است بدون محاسبه هزینه‌های چنین تصمیمی، تمام خواسته‌های واشنگتن را بپذیرند. بنابراین، آمریکا می‌تواند برای بستن مرزها فشار دیپلماتیک وارد کند، اما اختیار تصمیم‌گیری دولت‌های منطقه و مدیریت پیامدهای آن را در دست ندارد.

دریای خزر؛ گسترش فشار و افزایش حساسیت منطقه‌ای

گنجاندن دریای خزر در مأموریت دروازه آهنین، بُعد مهم دیگری از این راهبرد است. خزر صرفاً یک مسیر ارتباطی ایران نیست، بلکه پهنه‌ای مشترک میان پنج کشور ساحلی است که منافع اقتصادی، تجاری و امنیتی آن‌ها به یکدیگر گره خورده است.

واکنش ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، در ۲۰ آبان به این اقدام و هشدار درباره تهدید حقوق و منافع کشورهای ساحلی، نشان می‌دهد که گسترش فشار آمریکا به این منطقه می‌تواند با مخالفت بازیگران دیگر مواجه شود.

از این منظر، تلاش برای محدودسازی مبادلات ایران در خزر ممکن است موضوع را از سطح تقابل تهران و واشنگتن فراتر ببرد و به مسئله‌ای مرتبط با حاکمیت و منافع کشورهای منطقه تبدیل کند. راهبرد دروازه آهنین بر یک فرض اساسی استوار است و آن اینکه هرچه دسترسی ایران به مسیرهای تجاری، منابع مالی و کالاهای مورد نیاز محدودتر شود، هزینه مقاومت در برابر خواسته‌های آمریکا افزایش می‌یابد و در نهایت تهران به تغییر محاسبات خود وادار خواهد شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اظهارنظر مارکو روبیو نوشت: وزیر امور خارجه آمریکا با این بیان که آن‌ها بالاخره باید غذا بخورند، وقیحانه ایرانیان را تهدید به تحمیل گرسنگی می‌کند. این سخنان، اعتراف دیگری است به نیت آمریکا برای ارتکاب جنایات جنگی که در واقع ادامه جنایاتی است که در جریان جنگ‌های تجاوزکارانه قبلی و تروریسم اقتصادی جاری مرتکب شده‌اند. در واقع، آمریکا پس از چند دهه سیاست تهدید، تحریم، تروریسم و تجاوز، همچنان همان اشتباهات را تکرار می‌کند و فقط هر بار آن‌ها را در قالب نام‌هایی تازه بسته‌بندی می‌نماید.

اما این موضوع با چند مانع جدی روبه‌رو است؛ نخست، وابستگی آمریکا به همکاری دولت‌هایی که خود از محاصره اقتصادی ایران متضرر می‌شوند؛ دوم، حساسیت روسیه و سایر کشورهای ساحلی نسبت به گسترش فشار به دریای خزر؛ و سوم، نبود تضمین برای تبدیل خسارت اقتصادی به امتیاز سیاسی. علاوه بر این، هرگونه محدودسازی عامدانه دسترسی مردم به غذا و کالاهای ضروری، می‌تواند پیامدهای جدی انسانی و حقوقی داشته باشد.

در نهایت، «دروازه آهنین» را باید تلاش آمریکا برای جایگزین‌کردن فشار اقتصادی سازمان‌یافته با جنگ مستقیم دانست؛ راهبردی که ممکن است هزینه‌های جدیدی به اقتصاد ایران تحمیل کند، اما موفقیت آن به عواملی فراتر از توان نظامی و تحریمی واشنگتن وابسته است.

به گزارش مهر، آمریکا شاید بتواند در مسیرهای تجاری ایران مانع ایجاد کند، اما تبدیل این موانع به محاصره‌ای فراگیر و سپس تبدیل محاصره به دستاورد سیاسی، دو مرحله دشوار و متفاوت است. دروازه آهنین بیش از آنکه نشانه تسلط کامل واشنگتن بر معادلات منطقه باشد، آزمونی برای سنجش میزان همراهی همسایگان و توان آمریکا در تحمیل اراده خود به بازیگران مستقل منطقه است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

*قدرت‌های بزرگ تصور می‌کنند اگر ارتش قدرتمندی داشته باشند و بتوانند اهدافی را بمباران کنند و زیرساخت‌های یک کشور را هدف قرار دهند، در نهایت اراده سیاسی آن جامعه نیز تسلیم خواسته‌های آنان خواهد شد. در حالی که ملت‌ها را نمی‌توان با بمب و تهدید به تسلیم واداشت و هیچ قدرتی صرفاً با تکیه بر برتری تسلیحاتی نمی‌تواند آینده سیاسی یک کشور مستقل را مطابق میل خود رقم بزند.
بینش

*هفتاد سال پیش در سال ۱۹۵۶، انگلیس و فرانسه با همراهی رژیم صهیونی به مصر حمله کردند. هدف آنان بازگرداندن سلطه بر کانال سوئز و تضعیف جمال عبدالناصر رهبر جهان عرب بود. اما نتیجه سیاسی جنگ کاملا برخلاف محاسباتشان رقم خورد. ناصر سقوط نکرد، کانال سوئز تحت کنترل مصر باقی ماند و انگلیس و فرانسه با فشارهای بین‌المللی و اقتصادی مجبور به عقب‌نشینی شدند. جالب این‌که این بحران به‌عنوان نقطه عطفی در افول قدرت امپراتوری انگلیس در تاریخ ثبت شد. امروز هم آمریکا با لشکرکشی به این منطقه به پایان ابرقدرتی خود نزدیک می‌شود.
باباخانی

*آمریکایی‌ها، اگر ذره‌ای عقل داشته باشند در این مدت باید فهمیده باشند تحریم و فشارشان شاید روی ضعیفان کارساز باشد، اما هرگز بر ایران قوی اثر تعیین‌کننده نخواهد گذاشت.
عیوق

*اگر همه کشورهای پیرامونی منطقه توافق کنند که به عامل مولد تنش، یعنی آمریکا و رژیم صهیونی، تسهیلات ندهند، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. اما چه باید کرد که بیشتر این کشورها منفعل و بی‌خاصیت شده‌اند.
حکیم‌الهی

*اگر هدف آمریکا از مذاکرات دستیابی به توافقی پایدار باشد، باید بپذیرد که ایران نیز منافع، محاسبات و خطوط قرمز خود را دارد و توافق زمانی دوام می‌آورد که از منافع متقابل برخوردار باشد. سیاستی که بر فرض تسلیم طرف مقابل بنا شده باشد، به جای گشودن مسیر دیپلماسی، هزینه‌های تقابل را افزایش خواهد داد.
خورشیدوند

*گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید از استانداردهای دوگانه و سیاسی‌شدن فعالیت‌های این نهاد دست بردارد. سکوت آژانس در قبال حملات آمریکا و رژیم صهیونی به تأسیسات هسته‌ای ایران کاملا زیر سؤال است.
زینالو

* طنین‌انداز شدن فریاد انتقام و خون‌خواهی آقای شهید ایران هنگام نوحه‌خوانی آقای مهدی رسولی در آخرین شب مراسم عزاداری ایام شهادت حضرت فاطمهٔ‌الزهرا سلام‌الله‌علیها؛ ای مردم، ای خواص، ای قوم حق‌شناس، حیّ علی القصاص!
نوازنی

* ایران نشان داد که در تولید، صادرات، توان نظامی و در اداره صنعت نفت به‌خوبی از عهده کار برمی‌آید، فقط اگر دولتمردان آن را باور کنند!
رودبارانی

*مادامی‌که دشمن در جمهوری اسلامی به عناصری امید داشته باشد که نگاه تسلیم‌آمیز در برابر دشمن دارند و یا حاضر باشند از روی بی‌صبری، خستگی یا وادادگی به دشمن امتیاز بدهند، جنگ تمام نخواهد شد. پایان جنگ فقط با ناامید شدن دشمن از داخل کشور ممکن می‌شود.
ملاشریف

* رئیس‌جمهور محترم که از علاقه قلبی‌شان به رهبر شهید انقلاب آگاهیم برای عبور دادن کشور از شرایط نه‌جنگ، نه‌صلح به مسیر راهی که آقای عزیز ایران نشان دادند توجه بیشتری داشته باشند و راهکار را در مذاکره و توافق با آمریکا تلقی نفرمایند!
گرایی

* جوانان عزیز، دانشجویان و دانش‌آموزان به این توصیه پدر موشکی ایران توجه جدی کنید تا ملت و کشورمان را در دنیا سرافراز نمایید. شهید حسن طهرانی‌مقدم به ما آموخت که قدرت دادنی نیست و نمی‌توان آن را از دیگران به انتظار نشست؛ قدرت را باید با اراده، دانش، ایمان و مجاهدت ساخت!
یزدانی

* بیاییم در هفته کتاب، از بیش از ۷۰ کتابی که امام شهید بر آنها تقریظ نوشته‌اند، هر کس بر اساس ذوق و سلیقه خود آن را تهیه و مهمان خانه‌های خود کنیم. مثل کتاب «دا» (خاطرات سیده‌زهرا حسینی) که رهبر شهید آن را «حقاً و انصافاً کتاب بسیار خوب و قابل طرح در سطح جهانی»، کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» (زندگی خانم کونیکو یامامورا بانوی ژاپنی مسلمان‌شده و مادر شهید) که تقریظ این‌گونه آغاز می‌شود «سرگذشت پرماجرا و پرجاذبه این بانوی دلاور جداً خواندنی و آموختنی است»، کتاب «تن‌تن و سندباد» (محمد میرکیانی) که رهبر شهید درباره‌اش نوشتند «همین بس است که نسخه این کتاب را به همه بچه‌ها بدهم» و این تقریظ نشان می‌دهد توجه ایشان به ادبیات کودک و نوجوان نیز جدی بوده است و...
غضنفری

* یک استاد دانشگاه آمریکا گفته؛ پایگاه‌های آمریکا در بحرین و قطر کاملاً نابود شد و چتر امنیتی که آمریکا می‌گفت برای کشورهای منطقه ایجاد کرده کاملاً از بین رفت! و ایرانی‌ها با موشک به امنیت آمریکایی‌ها پایان دادند! حالا هی آن احمق آمریکا عربده بکشد که ما پیروز شده‌ایم با این واقعیت‌های عریان که رسانه‌ها پخش می‌کنند، چه می‌کند!
غفاری

* حشدالشعبی عراق توانست یکی از افرادی که در جنایت قتل عام ۲ هزار نظامی عراق توسط داعش در اردوگاه اسپایکر نقش داشت را پس از سال‌ها در استان صلاح‌الدین دستگیر کند! با استنطاق او حقوق بشر آمریکایی جلوه‌گر می‌شود!
تیموری

* نتانیاهوی جنایتکار و قاتل هزاران کودک و زن و بچه غلط زیادی کرده و به آیزنکوت گفته بیا با هم دولت وحدت ملی تشکیل دهیم و تهدید ایران را یک‌بار برای همیشه از بالای سر اسرائیل برداریم! گویا موشک‌ها و وعده صادق و لانه موش را فراموش کرده است!
طاهری

* وزیر خارجه سابق آمریکا بلینکن گفته است؛ ایران به‌شکل عجیبی از این جنگ سر بلند کرده است! گویا امثال این مقامات آمریکایی پس از قدرت فرصت تأمل داشته و با برخی واقعیت‌های کشورمان آشنا شده‌اند!
کرمی

* رئیس‌جمهور محترم! کارآمدی، صرفه‌جویی، آینده‌نگری، حذف شرکت‌های زیان‌ده، ریشه‌کنی فساد، ابتکار و خلاقیت، عدالت در یارانه‌ها و حمایت از محرومان سخنانی شیرین و دلچسبی هستند ولی تا زمانی که دولتمردان به جای تکرار بایدها و نبایدها، آستین همت را بالا نزنند، فاصله حرف تا عمل همچنان پابرجاست!.
شعبانی

*قابل توجه مسئولان کشور؛ یکی از مظاهر تشکر نظام از حضور حماسی مردم مبعوث در صحنه، مبارزه پیگیرانه و منتج به نتیجه قوه قضائیه با انواع مفاسد و غارت بیت‌المال است.
کردکندی

*دستگاه قضا و سایر دستگاه‌های مربوطه بابت عادی شدن برهنگی و بی‌حیایی در تئاتر و سینمای مملکت باید پاسخگو باشند.
ممتاز

*کشورمان با فعال‌سازی بنادر شمالی و کریدورهای ریلی و جاده‌ای این منطقه توانسته شریان‌های تأمین کالاهای اساسی را پابرجا نگه داشته و سناریوی انزوای اقتصادی ایران را با شکست روبه‌رو بکند.
ناصحی

*معروف است که در یک بازی فوتبال، پس از گل به‌خودی، مدافعی فریاد می‌زند: مهاجمان حریف را رها کنید. یک نفر غضنفر خودمان را بگیرد. حالا حکایت دولت است. آقای قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور می‌گوید کارت سوخت جایگاه‌ها حذف می‌شود، اما معاون وزیر نفت تأکید می‌کند که دولت تصمیم جدیدی در موضوع بنزین نگرفته است!
اطهر

*مطابق اعلام وزارت نفت و همچنین شرکت پالایش و پخش، میانگین تولید بنزین کشور در ماه جاری به روزانه ۱۳۱٫۵ میلیون لیتر رسیده که حتی ۳ میلیون لیتر از میانگین مصرف بیشتر است. باید معلوم شود برخی مسئولین بی‌ربط، با چه هدفی قحطی‌نمایی کرده و به مردم شوک روانی وارد می‌کنند.
مشفق

*تقریباً اتفاق‌نظر وجود دارد که قاچاق سوخت، سازمان‌یافته است. مگر می‌توان این حجم از قاچاق را با کارت سوخت خودروهای شخصی انجام داد و از طریق باک خودرو به لنج و کشتی منتقل کرد؟
بنیادی

* چرا از سد معبر توسط کافه‌ها و مغازه‌ها جلوگیری نمی‌شود؟! چرا بخش خصوصی در مسیر عبور و مرور مردم مانع ایجاد می‌کند؟ از شهرداری و نیروی انتظامی که مسئولان بسیار شایسته‌ای دارد انتظار رسیدگی به این معضل بیشتر است.
یک کارشناس ارشد حقوق

حجت‌الاسلام سلیمی:

دولت در تصمیم گیری‌ها دچار آشفتگی است

عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: دولت نشان داده است که در تصمیم‌گیری‌ها دچار رفتارهای احساسی و دفعی است. نمونه این تصمیم گیری احساسی در کالابرگ هم نمود پیدا کرد.

حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو، در واکنش به ابهامات و اظهارنظرهای متناقض درباره طرح‌های بنزینی دولت و حذف ناگهانی کارت‌های جایگاه در بعضی مناطق کشور گفت: متأسفانه دولت دچار آشفتگی شده است؛ یک روز معاونان رئیس‌جمهور، آقایان قائم‌پناه و سقاب اصفهانی، اظهاراتی مطرح می‌کنند و پس از آن، معاون دیگری می‌آید و صحبت‌های آنها را اصلاح می‌کند و به‌اصطلاح، قضیه را ماست‌مالی می‌کند. این از اتفاقات شگفت‌انگیزی است که با آن مواجه هستیم.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی با انتقاد از نحوه عملکرد دولت گفت: دولتی که نمی‌تواند حتی معاونان خودش را در نوع سخن گفتن و اعلام تصمیمات کنترل و هماهنگ کند، چگونه می‌خواهد کشور را اداره کند؟

وی افزود: دولت نشان داده است که در تصمیم‌گیری‌ها دچار رفتارهای احساسی و دفعی است. نمونه این تصمیم گیری احساسی در کالابرگ هم نمود پیدا کرد.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خاطر نشان کرد: ابتدا گفتند ارز را حذف می‌کنیم و این حق شهروندی است و آن را به همه پرداخت می‌کنیم؛ به همین دلیل، وزیر محترم اقتصاد هم از این موضوع به‌عنوان حق شهروندی یاد کردند. اما حالا می‌گویند این پرداخت یارانه است و قرار نیست به همه تعلق بگیرد.

او ادامه داد: از سوی دیگر، اعلام کردند قیمت چند قلم کالای اساسی را ثابت نگه می‌دارند و اگر قیمت‌ها افزایش پیدا کرد، میزان یارانه یا همان حق شهروندی را افزایش می‌دهند؛ اما این وعده هم در عمل محقق نشد.

وی با انتقاد از دولت گفت: دولت این همه کارشناس در اختیار دارد و از نظر بدنه کارشناسی، مجموعه قدرتمندی است؛ پس چرا از این ظرفیت استفاده نمی‌کند؟ اگر هم کارشناسی در اختیار ندارند، ما در مجلس آماده‌ایم کمک کنیم مرکز پژوهش‌های مجلس و نمایندگان توانمند مجلس آماده‌اند تا در این زمینه به دولت کمک کنند.

سلیمی در پایان با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور درباره استفاده از نظرات کارشناسان گفت: آقای پزشکیان بارها اعلام کردن که در زمینه‌های مختلف تخصصی ندارند و هر زمان درباره برنامه‌های تخصصی از ایشان سؤال می‌کردند پاسخ این بود که از کارشناسان استفاده خواهیم کرد. درباره برنامه هفتم هم همین موضوع مطرح بود؛ اما امروز می‌بینیم چه اتفاقی برای برنامه هفتم افتاده است و خود دولت به دنبال اصلاح آن است. این وضعیت نشان می‌دهد که باید درباره مبنای کارشناسی تصمیمات دولت و عملکرد کارشناسانی که چنین پیشنهادهایی ارائه می‌کنند، پاسخ روشنی داده شود.

وی افزود: آقای پزشکیان بارها در پاسخ به پرسش‌هایی درباره مسائل تخصصی اعلام می‌کردند که از موضوع اطلاع ندارند و باید از کارشناسان استفاده شود. درباره برنامه هفتم توسعه نیز همواره بر استفاده از نظر کارشناسان تأکید می‌کردند؛ اما امروز می‌بینیم چه بر سر این برنامه آمده است که خود دولت به دنبال اصلاح آن است.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس ادامه داد: اگر قرار است کارشناسان برای دولت تصمیم‌سازی کنند، باید دید که این کارشناسان چه کسانی هستند که با تصمیمات و پیشنهادهای خود، پوست‌خربزه زیر پای دولت می‌گذارند؟ این کارشناسان را از کجا پیدا کرده‌اند؟

خبر ویژه

ژست دفاع از حقوق زنان بر قامت مدعیان اصلاحات نمی‌نشیند!

حزب موسوم به «اتحاد ملت» در نامه‌ای تأمل‌برانگیز به سران قوای سه‌گانه، با ادعای تعلل ۱۶ ساله در تصویب قانون حمایت از زنان، تلاش کرده است تا کاسه و کوزه مشکلات را بر سر نظام بشکند؛ غافل از اینکه کارنامه سیاه این جریان در مواجهه با حقوق زنان، گواهی روشن بر تناقض‌گویی و بهره‌برداری‌های ابزاری آنان است.

کدام عقل سلیم باور می‌کند مدعیانی که در دی‌ماه ۱۳۹۵ پیشنهاد شرم‌آور «عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب» را مطرح کردند یا در انتخابات ۱۳۹۶ نامزدی یک زن برای ریاست‌جمهوری را به سخره گرفتند، دلسوز واقعی امنیت زنان باشند؟ اوج این دوگانگی و بی‌اخلاقی سیاسی را در ماجرای قتل یک زن توسط شهردار پیشین تهران(منتسب به طیف اصلاحات) شاهد بودیم؛ جایی که همین مدعیان اصلاح‌طلب از یک‌سو مقتول را با ادبیاتی مشمئزکننده «پرستو» و مهدورالدم خواندند و از سوی دیگر قاتل را «نخبه و جنتلمن» نامیدند تا از چوبه‌دار نجاتش دهند! امروز چهره‌های این طیف با مظلوم‌نمایی از «زن‌کشی» دم می‌زنند، در حالی که خون آن زن هنوز لکه‌ای پاک‌نشدنی بر دامن تفکر قبیله‌ای آن‌هاست.

رسوایی دیگر این جریان، پیوند لایحه موسوم به تأمین امنیت با سند استعماری ۲۰۳۰ است. معصومه ابتکار، معاون وقت امور زنان در دولت مدعی اعتدال، با اذعان به اینکه این لایحه در راستای اهداف سند ۲۰۳۰ بوده، به تمجید از آن پرداخت؛ سندی ضدخانواده و برانداز بنیان‌های اصیل اسلامی- ایرانی که اجرای آن چیزی جز فروپاشی نهاد مقدس خانواده به دنبال ندارد.

علاوه‌بر این، رفتار دوگانه این جریان در برابر حقوق زنان زمانی عیان‌تر می‌شود که در برابر محدودیت‌های شدید زنان محجبه در جمهوری آذربایجان سکوت پیشه می‌کنند. این طیف نشان داده است که هرگاه منافع سیاسی‌شان اقتضا کند، حقوق زنان را دستاویز فتنه و آشوب قرار می‌دهند؛ چنان‌که در جریان فتنه ۱۴۰۱، کودتای دی ماه ۱۴۰۴ و جنگ رمضان نیز هم‌نوایی با دشمنان صهیونیستی- آمریکایی را بر منافع ملی ترجیح دادند. ملت هوشیار ایران دیگر به این ژست‌های دروغین و تقلاهای سیاسی سوءاستفاده‌گران بازنده اعتنایی نمی‌کند.

اعتراف رسانه صهیونیستی: شکست جمهوری‌خواهان گران‌تر از برنامه هسته‌ای ایران بود

روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارانوت» پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و احتمال قطع حمایت مالی-نظامی نوشت: «ارتش اسرائیل از همه جهت وابسته به آمریکاست؛ قطع حمایت‌ها نزدیک‌تر و گران‌تر از هسته‌ای شدن ایران است».

پیامد خیالبافی نتانیاهو و ترامپ این روزها بیشتر از قبل به چشم می‌آید؛ بدون اغراق، شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا یکی از آثار و عواقب رؤیاپردازی و قمار در تنگه هرمز بود که امنیت اسرائیل را نیز تحت‌الشعاع قرار داد.

این رسانه عبری نوشت: «پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات و وخامت جایگاه اسرائیل در افکار عمومی آمریکا ممکن است امنیت ما را به خطر بیندازد».

یدیعوت آحارانوت با اشاره به وابستگی رژیم صهیونی به کمک آمریکا و ترس از انقطاع حمایت‌ها هشدار داد: «اسرائیل دو دارایی اساسی برای امنیت راهبردی خود دارد: ۱. ارتش و نهادهای امنیتی. ۲. اتحاد راهبردی با ایالات متحده؛ نیروی هوایی و کل ارتش ما برای فعالیت روزمره خود به تأمین مستمر تجهیزات، وسایل نقلیه و مهمات آمریکایی وابسته هستند ... قطع کمک و تهدیدی که از این وضعیت ناشی می‌شود، واقعی، ملموس و از خطر دستیابی ایران به بمب هسته‌ای نیز نزدیک‌تر است».

تحولات اخیر ایالات متحده صرفاً یک جابه‌جایی معمول در ترکیب سیاسی کنگره نیست؛ بلکه نشانه‌های تغییر و تحول در فضای سیاسی-اجتماعی آمریکاست؛ فضایی که در آن حمایت بی‌قیدوشرط از سیاست‌های «تل‌آویو» با پرسش‌گری و مخالفت جدی بخشی از جامعه روبه‌رو می‌شود. وابستگی ساختاری ارتش رژیم به فناوری، تسلیحات و تجهیزات آمریکایی، موضوعی نیست که با شعارهای سیاسی یا ادعای خودکفایی نظامی مرتفع شود؛ از این رو کاهش یا مشروط کردن حمایت‌ها بر توان نظامی رژیم اشغالگر تأثیر مستقیم دارد.

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی به پشتوانه آمریکا در منطقه گردن‌فرازی می‌کند و بخشی از بازدارندگی فعال خود را مدیون مساعدت مالی و نظامی یانکی‌هاست؛ اما پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات اخیر، نگرانی‌های ناشی از تغییر رویکرد، جبهه صهیونیست‌ها را فراگرفت به‌طوری‌که در تحلیلگران رژیم، خطر قطع حمایت را نزدیک‌تر و گران‌تر از هسته‌ای شدن ایران برآورد کرده‌اند.